

Desirable Institutional Mapping in the Field of Social Takaful

Mostafa Kazemi Najafabadi*

Syed Reza Hosseini**

Abstract

The lack of proper institutional mapping in the field of benevolence of the country has caused a lot of damage to this field. Currently, the performance of the country's social takaful field is not integrated and comprehensive, and it is mostly viewed as a part and island. The lack of a comprehensive drawing of all aspects of this important issue and the identification of important and effective institutions and elements involved in many researches has been neglected in practice; Therefore, in this research, appropriate answers have been found for basic questions in the field of social takaful. Answers to questions such as what is the design of this institutional mapping based on, what is the current situation of social takaful in Iran, which actors can directly or indirectly play a role in the correct functioning of this institutional mapping, the structural and functional coordinates of this mapping What will an institution look like and what outputs and goals does this institutional mapping pursue? In order to answer these and similar questions, policy recommendations have been discovered using the analytical-descriptive method and the validity and reliability of each recommendation has been measured by asking experts. . Then, by emphasizing the recommendations approved by the experts and by adopting a comprehensive approach, an eight-layer institutional structure, consisting of policy-making, regulatory, monitoring, culture-creating, training, facilitating, service-providing and activist institutions. It has been drawn individually to make the path of improving and improving the charity of the country smoother.

Keywords: Institution mapping, social takaful, national network.

* Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Research Institute of Hawzeh and University (Corresponding Author), Qom, Iran, mostafakazemi@rihu.ac.ir.

** Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran, srhoseini@rihu.ac.ir.

نگاشت نهادی مطلوب در حوزه تکافل اجتماعی

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی*

سیدرضا حسینی**

چکیده

نبود نهادنگاشتی مطلوب در حوزه خیرخواهی کشور آسیب‌های فراوانی را به این حوزه وارد کرده است. عملکرد حوزه تکافل اجتماعی کشور در حال حاضر به صورت یکپارچه و همه‌جانبه نبوده و بیشتر نگاه بخشی و جزیره‌ای به آن شده است. نبود ترسیمی جامع از تمامی ابعاد این موضوع مهم و شناسایی نهادها و عناصر مهم و مؤثر دخیل در بسیاری از تحقیقات انجام شده و در مقام عمل مغفول مانده است؛ از این رو در این تحقیق، برای پرسش‌های اساسی در حوزه تکافل اجتماعی پاسخ‌های مناسبی یافت شده است. پاسخ به پرسش‌هایی مانند طراحی این نهادنگاشت بر چه مبانی استوار است، وضعیت موجود حوزه تکافل اجتماعی در ایران چگونه است، چه کنشگرانی می‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم در عملکرد صحیح این نگاشت نهادی نقش‌آفرینی کنند، مختصات ساختاری و عملکردی این نگاشت نهادی چگونه خواهد بود و این نگاشت نهادی چه برون‌داد و اهدافی را دنبال می‌کند. برای پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این قبیل، توصیه‌های سیاستی از روش تحلیلی-توصیفی کشف و از طریق پرسیمان خبرگانی میزان روایی و پایایی (میزان مطابقت و ضرورت) هر یک از توصیه‌ها اندازه‌گیری شده است. سپس با تأکید بر توصیه‌های تأییدشده از طرف خبرگان و با اتخاذ نگرشی جامع، نهادنگاشتی هشت‌لایه، متشکل از نهادهای سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، ناظر، فرهنگ‌ساز، آموزش، تسهیل‌گر، خدمت‌رسان و کنشگران انفرادی ترسیم شده است تا مسیر بهبود و ارتقابخش خیریه کشور هموارتر شود.

واژگان کلیدی: نهادنگاشت، تکافل اجتماعی، شبکه ملی.

مقدمه

در آموزه‌های اسلامی، از ابتدا، بخش مهمی از مسئولیت حل مشکلات اجتماعی و تأمین نیازهای معیشتی نیازمندان جامعه برعهده آحاد امت به‌ویژه توانمندان آنها نهاده شده است که در اصطلاح از آن به‌عنوان «تکافل اجتماعی» یاد می‌شود. تکافل اجتماعی اگرچه در جامعه صدر اسلام دستاوردهای چشمگیری در مبارزه با فقر و چالش‌های اجتماعی داشته و در متون اسلامی نیز درباره آن بحث شده است، امروزه با بروز تحولات سریع و ظهور نیازهای جدید در عرصه روابط اجتماعی و مناسبات اقتصادی و همچنین پیدایش مکاتب فکری نو، که از مبانی فلسفی، ارزشی و حقوقی متفاوتی نشئت گرفته‌اند، ارائه تصویری از نهادنگاشت تکافل اجتماعی در اسلام و کارآمدسازی آن در حل مشکلات و همچنین، ترمیم آسیب‌های اجتماعی ضرورت یافته است.

در میان آسیب‌های اجتماعی، مسئله فقر به‌دلیل اینکه هم به‌طور مستقیم از جمله آسیب‌های اجتماعی است و هم به‌صورت غیرمستقیم منشأ بروز و بازتولید بسیاری از آسیب‌های دیگر است، اهمیت بیشتری دارد؛ از این‌رو تلاش برای یافتن راه‌های کارآمدتر و بهتر برای درمان فقر از اولویت بیشتری برخوردار است؛ براساس این، مسئله این تحقیق عبارت است از چگونگی کارآمدسازی سازوکار تکافل اجتماعی در ایفای نقش تکمیلی برای تأمین نیازهای معیشتی نیازمندان کشور. از آنجاکه ماهیت تحقیق، اکتشافی و هدف آن پاسخ به سؤال پیش‌گفته بر مبنای روش تحلیلی-توصیفی است، فرضیه مورد نیاز نیست. ایده اساسی طرح برگرفته از آموزه‌های اسلامی است که بر مبنای آنها، عملکرد صحیح نهادنگاشت تکافل اجتماعی می‌تواند در کاهش فقر، محرومیت، ایجاد عدالت و انسجام اجتماعی نقش آفرینی کند.

گفتنی است در میان سیاست‌های هشت‌گانه کلی تأمین اجتماعی، ابلاغی مقام معظم رهبری، سیاست هفتم «استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری و ایجاد پیوند میان ظرفیت‌های مردمی و دستگاه‌های موظف» مربوط به استقرار نظام ملی خیر و احسان است که توصیه‌های هشت‌گانه تأییدشده خبرگان و نهادنگاشت هشت‌لایه‌ای این مقاله، بخش‌هایی از آن نظام ملی را تشریح می‌کند؛ اگرچه آن نظام ابعاد دیگری نیز دارد که ما درصدد بیان آن نیستیم.

پیشینه پژوهش

پیشینه مباحث مربوط به تکافل اجتماعی ابعاد و دامنه وسیعی دارد که مهم‌ترین آنها را می‌توان در چند دسته ذیل بررسی کرد. دسته اول آثاری است که با محوریت انفاق و با تمرکز بر آیات و روایات

انفاق و مفاهیم مرتبط با آن منتشر شده است. در این باره، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوانی نگارش یافته که بررسی هریک از آنها از حوصله این تحقیق خارج است. کتاب‌های انفاق و صدقه در اسلام نوشته زین‌العابدین احمدی و حسنعلی احمدی (۱۳۸۶) و درآمدی بر سبک بخشندگی اثر کاظم دلیری (۱۳۹۸) از این دسته‌اند.

دسته دوم مطالعاتی هستند که با عنوان «تکافل اجتماعی» و مشابه آن انتشار یافته‌اند و به دو نوع تقسیم می‌شوند: نوع اول، آثاری هستند که منظور آنها از تکافل، جایگزین اسلامی بیمه‌های متعارف است و تلاش آنها بر این است که با توجه به مشروعیت‌نداشتن عقد بیمه در فقه اهل سنت، سازوکار مناسبی برای پوشش ریسک و تضمین مخاطرات کسب‌وکار معرفی کنند. پایان‌نامه محمدحسن محمدی مهر با عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام» از این دسته است. تکافل اجتماعی به این معنا از موضوع این تحقیق خارج است.

نوع دوم، آثاری هستند که به بررسی بخش مردمی تأمین اجتماعی می‌پردازند. معروف‌ترین اثر در این زمینه، کتاب محمد ابوزهره (بی‌تا) با عنوان التکافل الاجتماعی فی الاسلام است. علوان (بی‌تا) نیز کتابی با همین عنوان تألیف کرده است. تکافل اجتماعی به همین معنا در برخی آثار موجود به طور ضمنی نیز مدنظر قرار گرفته است که در این زمینه می‌توان به نظریه تأمین اجتماعی شهید صدر در اواخر کتاب شریف اقتصادنا اشاره کرد. سیدرضا حسینی (۱۳۹۴) در کتاب الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، راهکار تکافل اجتماعی را یکی از راهکارهای سه‌گانه تأمین اجتماعی در اسلام (در کنار راهکارهای تدارک خصوصی و تضامن دولتی) دانسته و درباره آن بحث کرده است. احمد قابل (۱۳۸۳) در کتاب اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی در ضمن راهبردهای حمایتی و امدادی تأمین اجتماعی به این بحث پرداخته است. مالک محمودی و ابراهیم بهادری (۱۳۶۵) نیز در کتاب تأمین اجتماعی در اسلام به جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات و روایات مربوط به این موضوع اقدام کرده‌اند.

دسته سوم، از آثار مرتبط با موضوع این تحقیق به اقتصاد بخش سوم و امور خیریه اختصاص یافته‌اند. کتاب اقتصاد وقف و امور خیریه اثر مهدی طغیان‌ی و مرتضی درخشانی (۱۳۹۵) از این دسته است. در ابتدای اسفندماه ۱۳۹۵ بنیاد خیریه راهبری آلاء نخستین همایش خیر ماندگار را برگزار کرد. در این همایش، بیش از هشتاد مقاله علمی در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی امور خیر در ایران ارائه شد که منبع ارزشمندی برای مطالعات خیریه محسوب می‌شوند.

رجایی و همکاران (۱۳۹۸) در کتاب الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم و محمدجواد توکلی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیق نظریه‌ها و مدل‌های رفتار عام‌المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی» به این بحث پرداخته‌اند. افزون‌براین، آثار موجود درباره اقتصاد فقر و راهکارهای فقرزدایی در اسلام را هم می‌توان از مصادیق این دسته از مطالعات به شمار آورد. در این باره، آثار بین‌المللی نیز از غنای خوبی برخوردار است که از باب نمونه می‌توان به کتاب‌های هندبوک خیریه جهانی (۲۰۱۷) و هندبوک بخش بدون سود (۲۰۰۶) اشاره کرد.

اگرچه هریک از منابع پیش‌گفته تلاش‌های خوبی در راستای روشن‌شدن ابعاد مختلف تکافل اجتماعی انجام داده‌اند، هیچ‌یک در صدد یافتن توصیه‌های سیاستی و گرفتن تأییدیه از خبرگان و ترسیم نگاشت نهادی جامع در حوزه تکافل اجتماعی نبوده‌اند و از این حیث می‌توان اثر پیش‌رو را اندیشه‌ای نو در این حوزه تلقی کرد. توصیه‌های سیاستی تأییدشده از سوی خبرگان حاکی از آن است که این نهادنگاشت می‌تواند از هشت لایه سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، نظارت، فرهنگ‌ساز، آموزش، تسهیل‌گر، خدمت‌رسان و افراد تشکیل شود تا بتواند تمامی اهداف تکافل اجتماعی را در اسلام محقق کند. نهادنگاشت پیشنهادی بر مبانی اسلامی استوار است و اهدافی همچون رشد معنوی، رشد اجتماعی و رشد فیزیکی را دنبال می‌کند.

مبانی نگاشت نهادی تکافل اجتماعی

تکافل اجتماعی به‌عنوان بخشی از نظام اقتصادی-اجتماعی اسلام، مبتنی بر مبانی اسلامی در هر دو بخش نظری و عملی است. نگرش اسلام به هستی، انسان، ارزش‌ها و شناخت، زیربنای نظری تکافل اجتماعی را تشکیل می‌دهد و باید‌های رفتاری انسان که برخاسته از باورهای فلسفی است، خط‌مشی دستیابی به اهداف تکافل اجتماعی را مشخص می‌کند.

مبانی اعتقادی و فلسفی: از مبانی نظری تکافل اجتماعی در اسلام تحت عنوان «مبانی اعتقادی و فلسفی» بحث می‌کنیم. این مبانی به تبیین و حیانی-عقلانی از معرفت، هستی و ارزش‌ها مربوط می‌شود. باور به نوع نگرش اسلام نسبت به حقیقت معرفت، هستی و ارزش‌ها، وجود نهادی در ساختار اقتصادی-اجتماعی اسلام به نام «تکافل اجتماعی» را ضروری می‌سازد. با استفاده از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی موردنظر اسلام، مبانی اعتقادی و فلسفی را می‌توان به مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم نمود.

مبانی رفتاری: منظور از مبانی رفتاری تکافل اجتماعی، رفتارهایی است که مسلمانان برای تحقق میدانی تکافل اجتماعی باید آنها را از خود بروز دهند. در مقام نظری ملاحظه شد که نظریه تکافل اجتماعی یک نظریه معتبر اسلامی است که از کتاب و سنت به دست آمده و همچنین، این نظریه بر پیش فرض‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد نظر اسلام استوار است. می‌توان مبانی سیاسی و مبانی اقتصادی را به عنوان دو مبنای رفتاری تکافل اجتماعی معرفی نمود.

مبانی سیاسی: مبانی سیاسی تکافل اجتماعی را در چند جهت می‌توان بررسی کرد: جهت نخست، عبارت است از نقش و مسئولیت دولت در برابر نیازهای معیشتی آحاد جامعه. این جهت پیش‌تر در ضمن بررسی چارچوب سیاست‌گذاری در اسلام بحث شد. جهت دوم به بعد سیاسی تکافل اجتماعی مربوط می‌شود که از آن به عنوان تکافل سیاسی یاد می‌شود. جهت سوم، در رابطه با محدودیت‌ها و شرایطی است که گاه از ناحیه عمل به وظیفه دفاع از کیان حاکمیت اسلامی بر عرصه معیشت مردم تحمیل می‌شود. فشارها و تهدیدات جبهه کفر و استکبار چه در دوره آغازین ظهور اسلام و چه در دوره تجدید حیات آن در دوره معاصر وجود داشته و همواره یکی از اهداف آن ایجاد تنگنای معیشتی برای مردم به منظور جدا کردن آنها از حاکمیت و به دنبال آن از بین بردن حاکمیت اسلامی بوده است (منافقون، ۷).

مبانی اقتصادی: در علم اقتصاد معمولاً رفتارهای اقتصادی به سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تقسیم می‌شوند. بر مبنای همین تقسیم‌بندی، می‌توان مبانی رفتاری الگوی تکافل اجتماعی را در سه حوزه پیش‌گفته تبیین و بررسی نمود. با توجه به اینکه این بحث در دیگر مقالات نگارندگان به تفصیل آمده است، برای رعایت اختصار در این تحقیق مبانی تکافل اجتماعی تنها در حد ذکر عناوین از طریق جدول ۱ معرفی شده و برای شرح و توضیح هر یک از این مبانی، مخاطبان به دیگر تحقیقات انجام‌شده ارجاع داده می‌شوند.

جدول ۱. مبانی تکافل اجتماعی

مبانی اعتقادی - فلسفی	مبانی اجتماعی	مبانی	مستندات قرآنی و روایی	مصادر
مبانی اعتقادی - فلسفی	مبانی اجتماعی	معرفت‌شناختی		صدر، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۶۱-۶۸۴؛ یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۹-۴۳۰؛ ابوزهره، ۱۹۹۱ م دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۶۴ توکلی، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۶۶
		هستی‌شناختی	لقمان: ۲۶؛ طه: ۵۰؛ فاطر: ۴۳؛ حدید: ۷؛ بقره: ۳۰؛ انعام: ۱۰۳؛ زخرف: ۳۲	حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۳۵
		انسان‌شناختی	ذاریات: ۵۶؛ قیامه: ۳۶	حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۳۵
		ارزش‌شناختی	بلد: ۱۱-۱۶؛ آل عمران: ۹۲؛ سبأ: ۳۷	حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۳۵
		جامعه‌شناختی	مائده: ۲	طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، صص ۳۸۷-۳۸۷ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵ همان هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵-۳۱۰
مبانی رفتاری	مبانی اجتماعی	سیاسی	الحشر: ۹؛ آل عمران: ۱۲۰؛ منافقون: ۷؛ فتح: ۲۹؛ الأنفال: ۷۲؛ نساء: ۹۵؛ توبه: ۲۰، ۴۱، ۴۴، ۸۱، ۸۸؛ حجرات: ۱۵؛ الصف: ۱۱	حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۳۵
		اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف)	کلینی، ج ۵، ص ۷۸، ۶ ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۶۸، ۳۶۳۱ کلینی، ج ۴، ص ۱۲، ۹ آل عمران: ۹۲ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ۱۰۱۸/۳۲۱	همان حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش تحلیلی-توصیفی توصیه‌های سیاستی برای نیل به نهادنگاشتی مطلوب را به دست آورد و آنها را توضیح داد. سپس میزان مطابقت و میزان ضرورت هر یک از گزینه‌های به‌دست‌آمده را با راهبردهای مربوط با استخدام معیارهای CVI و CVR به دست آورد. گفتنی

است برای محاسبه این معیارها، فرم مربوط متناسب با استخراج CVI و CVR بازنویسی و برای تعدادی از متخصصان اقتصاد اسلامی (که عموماً در حوزه علمی در سطح خارج بودند و در رشته اقتصاد نیز مدرک دکترا داشتند یا دانشجوی دکتری بودند) ارسال شد که از این میان ۲۳ نفر فرم را درست و قابل قبول تکمیل کردند. برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR)^۱ و شاخص روایی محتوا (CVI)^۲ استفاده می‌شود. CVI به صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر گزینه که امتیاز «مرتبط اما نیاز به بازبینی» و «کاملاً مرتبط» را کسب کرده‌اند، تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه خواهد شد. اگر عدد حاصل بیشتر از ۰/۷۹ بود، روایی محتوایی مقیاس تأیید می‌شود. اگر بین ۰/۷ و ۰/۷۹ باشد نیاز به بازبینی مجدد است و اگر کمتر از ۰/۷ باشد، روایی محتوایی مقیاس تأیید نمی‌شود. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست می‌شود تا هر گزینه را براساس طیف سه قسمتی «ضروری است؛ مفید است، ولی ضرورتی ندارد و ضرورتی ندارد» بررسی کنند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر محاسبه شد.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این باره، n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه شده از مقدار جدول بزرگتر باشد، اعتبار محتوایی آن گزینه پذیرفته می‌شود (حاجی زاده و اصغری، ۱۳۹۰).

جدول ۲. حداقل مقدار روایی بر حسب تعداد متخصصان

تعداد متخصصان	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۵	۲۰	۲۵	۳۰
حداقل مقدار روایی	۰/۹۹	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۶۲	۰/۴۹	۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۰۴

1. Content Validity Ratio
2. Content Validity Index

گفتنی است که در تحقیق حاضر، به منظور اتقان نتایج، گزینه‌ها تنها در صورتی از مدار پژوهش حذف شدند که از هر دو شاخص *CVR* و *CVI* نمره کافی را کسب نکردند؛ در غیراین صورت گزینه پابرجا مانده است.

وضعیت موجود حوزه تکافل اجتماعی در ایران

یکی از آسیب‌های اصلی حوزه تکافل اجتماعی تعادل‌نداشتن در عرضه و تقاضای وجوه خیر است. تحلیل عرضه و تقاضای وجوه خیریه در کشور، حاکی از این است که در کشور، مازاد تقاضا وجود دارد و تعادل بخشی به عرضه و تقاضا در گرو کاهش تقاضا و افزایش عرضه خواهد بود (کاظمی نجف‌آبادی و حسینی، ۱۳۹۸، ص ۹۸-۹۷). با توجه به نبود اطلاعات درباره آمار مرتبط به این حوزه نمی‌توان تحلیل دقیق و تبیین روشنی از عرضه و تقاضای وجوه خیر در کشور ارائه داد؛ اما می‌توان مستند به شواهدی که در ادامه بیان شده است، تصویری از نبود تعادل عرضه و تقاضای وجوه خیر در کشور ارائه کرد.

عرضه خدمات تکافلی

در عرضه وجوه خیر و خدمات تکافلی، آمار دقیق مستندی وجود ندارد که تمامی این بخش را دربرگیرد؛ اما شواهد موجود حاکی از کمبود عرضه در بخش خیرخواهی است. تحقیقات انجام گرفته برای ۱۶ کشور منتخب، حاکی از این است که متوسط جهانی سهم بخش سوم اقتصاد در تولید ناخالص داخلی (GDP) برای این کشورها معادل ۴/۵ درصد است (طغیان، ۱۳۹۵، ص ۳۰). در مقاله جهانیان، سهم بخش غیرانتفاعی از GDP، در وضعیت مطلوب ۱۰ درصد و سهم بخشش به نیازمندان، حدود ۲ درصد تخمین زده شده است (جهانیان، ۱۳۸۵). براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری) در سال ۲۰۱۷ میلادی اقتصاد ایران معادل ۴۳۱ میلیارد و ۹۲۰ میلیون دلار است (که با نرخ دلار ۴۱/۷۹۰ معادل ۱۸ میلیارد و ۴۹ میلیون و ۹۳۶ هزار و ۸۰۰ میلیون ریال خواهد بود). اگر متوسط ۲ درصد برای ایران نیز نسبتی منطقی و قابل قبولی باشد، آنگاه در ایران در وضعیت مطلوب، باید سهم بخشش به نیازمندان به طور متوسط معادل ۳۶ هزار میلیارد تومان باشد؛ در حالی که شواهد موجود حاکی از این است که عرضه وجوه خیر در ایران، با این عدد فاصله بسیاری دارد؛ از این رو مسئولان باید در این باره چاره‌اندیشی‌های مناسبی صورت دهند. در ادامه، به برخی از این شواهد اشاره شده است.

شاهد اول: به اذعان کارشناسان، سهم کمیته امداد امام خمینی (بزرگ‌ترین و فعال‌ترین نهاد خیریه شبه‌دولتی) از کل عرضه و جوه خیریه در کشور، تنها ۱۵ درصد است و ۸۵ درصد باقی مانده، سهم مؤسسات خیریه دیگر است (طغیانی، ۱۳۹۵، صص ۲۷۹-۲۸۰). اگر این نسبت را صحیح تلقی کنیم، می‌توان ادعا کرد با توجه به اینکه مبالغ پرداخت شده به کمیته امداد امام خمینی در سال ۱۳۹۷، معادل ۳ هزار میلیارد تومان بوده است (سایت رسمی امداد امام)، این مبلغ برای دیگر مؤسسات خیریه حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان و مجموع میزان بخشش در کشور حدود ۲۰ هزار میلیارد خواهد بود.

شاهد دوم: بنیاد کمک به خیریه‌ها (CAF) هر ساله گزارش شاخص جهانی بخشش را با نگرشی کلی، به روندهای بخشش منتشر می‌کند. این شاخص، با سه معیار بخشش به غریبه‌ها، بخشش پولی و بخشش زمان و با روش نمونه‌گیری تصادفی کشورهای مختلف را هر سال از نظر میزان بخشندگی رتبه‌بندی می‌کند. جدول ۳، از مطالعه مجموعه کتاب‌های منتشر شده از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به دست آمده و حاکی از این است که ایران طی این سال‌ها نتوانسته جایگاه مناسبی را در زمینه بخشندگی کسب کند. اگرچه بخشی از این ضعف رتبه، ناشی از نبود شفافیت اطلاعات بخشندگی در ایران است، می‌تواند بیان‌کننده کمبود عرضه در بخش خیرخواهی باشد.

تقاضای خدمات تکافلی

در اینجا هم شواهد فراوانی وجود دارد که بیانگر تشدید فقر در ایران و افزایش تقاضای جوه خیرخواهی است. در ادامه، به اختصار برخی از این شواهد بیان شده‌اند. شاهد اول: آمار درآمد و هزینه خانوارهای ایرانی که مرکز آمار^۱ منتشر می‌کند، حاکی از وضعیت نامطلوب توزیع درآمد در کشور و افزون بودن فقرا بر اغنیاست که در جدول زیر به برخی از این آمارها اشاره شده است.

جدول ۳. درصد ثروتمندترین به درصد فقیرترین جمعیت در کل کشور سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶

۱۳۹۶	۱۳۹۵	شرح
۱۳/۶۵	۱۲/۹۹	سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت
۸/۰۰	۷/۶۱	سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت
۴/۲۶	۴/۱۰	سهم ۴۰ درصد ثروتمندترین به ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت

منبع: [HTTPS://AMAR.ORG.IR](https://amar.org.ir)

1. <https://amar.org.ir>.

جدول ۴. سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ کل کشور (دهک وزنی)

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶
سهم دهک اول	۰/۰۲۳۷	۰/۰۲۲۹	سهم دهک ششم	۰/۰۸۰۹	۰/۰۸۰۳
سهم دهک دوم	۰/۰۳۷۶	۰/۰۳۶۲	سهم دهک هفتم	۰/۰۹۷۲	۰/۰۹۶۷
سهم دهک سوم	۰/۰۴۷۷	۰/۰۴۶۴	سهم دهک هشتم	۰/۱۲۰۱	۰/۱۲۰۵
سهم دهک چهارم	۰/۰۵۷۷	۰/۰۵۶۳	سهم دهک نهم	۰/۸۲/۱۵	۰/۱۶۰۳
سهم دهک پنجم	۰/۶۸۴	۰/۰۶۷۶	سهم دهک دهم	۰/۳۰۸۶	۰/۳۱۲۷

منبع: [HTTPS://AMAR.ORG.IR](https://amar.org.ir)

جدول ۵. ضریب جینی سال‌های ۹۶-۱۳۹۵ کل کشور - (دهک وزنی)

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶
ضریب جینی	۰/۳۹۰۰	۰/۳۹۸۱

منبع: [HTTPS://AMAR.ORG.IR](https://amar.org.ir)

شاهد دوم: شاهد دیگری که به‌طور تلویحی نبود تعادل درآمد و هزینه بخش اعظم خانوارهای ایرانی را نشان می‌دهد، مطالعات صورت‌گرفته برای خوشه‌بندی خانوارها در طرح هدفمندی یارانه‌هاست که اجمالاً حاکی از وجود چنین پدیده‌ای است. در این گزارش که براساس اطلاعات اقتصادی خانوار تنظیم شده، جمعیت کشور به سه خوشه با ۱۰ دهک تقسیم‌بندی شده است. خوشه اول، دهک اول تا چهارم، با ۳۰ میلیون نفر؛ خوشه دوم، دهک پنجم تا هفتم، با بیش از ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت و خوشه سوم، دهک هشتم تا دهم با ۱۴ میلیون نفر جمعیت را شامل می‌شود؛ یعنی خوشه‌های اول و دوم جمعیتی کشور، شامل ۴۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر می‌شوند. براساس این طرح، درآمد ماهانه خانواده شش نفری در خوشه یک، کمتر از ۴۷۳ هزار تومان است. خانوار شش نفره‌ای که درآمدش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است، در خوشه دوم قرار می‌گیرد. خانوار شش نفره‌ای که بیش از ۷۸۸ هزار تومان درآمد داشته باشد، در خوشه سوم قرار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۹۰). برخی پژوهشگران با مقایسه ارقام این گزارش‌ها با ارقام خطوط فقر برآوردشده از سوی کارشناسان، برقرارگرفتن بیش از ۷۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر اشاره می‌کنند.

شاهد سوم: براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، خط فقر همه خوشه‌ها در مناطق روستایی یا شهری، از سال ۱۳۹۵ روندی افزایشی داشته است؛ هرچند افزایش فقر در مناطق روستایی، شتاب بیشتری در مقایسه با مناطق شهری داشته است که این موضوع، حاکی از قرارگرفتن افراد بیشتری در زیر خط فقر در سال ۱۳۹۷ در مقایسه با سال‌های قبل است (سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). شرایط داخلی کشور حاکی از این است که طی سال‌های اخیر، این روند بر اثر سوءمدیریت‌های داخلی و دشمنی‌های خارجی افزایش یافته است. در هر صورت، اگر از افزایش‌های

بیش از پیش فقر در ایران بر اثر کاهش ارزش پول ملی در سنوات اخیر و شدت یافتن تحریم‌ها نیز چشم‌پوشی شود، وضعیت فقر در کشور با وضعیت مطلوب بسیار فاصله دارد که قبلاً تصویر شد.

آسیب‌شناسی حوزه تکافلی

براساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان اذعان نمود که نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید زیر در حوزه تکافل اجتماعی در کشور ایران موجود است (حسینی و کاظمی، ۱۴۰۰).

قوت‌ها: از مهم‌ترین نقاط قوت نهادهای خیریه و تأییدشده متخصصان عبارت است از: در اختیار داشتن برخی بانک‌های اطلاعاتی از خیران و نیازمندان، قدرت ایجاد انگیزه و توانایی جذب منابع از خیران، وجود منابع و زیرساخت‌های فیزیکی فراوان در نهادهای خیریه، بهره‌مندی از نیروهای داوطلب مردمی، وجود برخی نهادهای سامان‌دهنده به نهادهای خیریه و چابک‌بودن ساختار اداری نهادهای خیریه.

ضعف‌ها: اتصال‌نداشتن شبکه‌ای خیریه‌ها با یکدیگر، نبود بانک جامع اطلاعاتی، نبود شفافیت مالی، موازی‌کاری در نهادهای خیریه، محدودیت منابع مالی و ضعف شیوه‌های تأمین مالی، تخصیص غیربهبینه کمک‌ها و رعایت نکردن اولویت نیازها، نداشتن مهارت‌های تخصصی کارکنان خیریه‌ها و وجود برخی سوءاستفاده‌ها از عناوین امور خیریه از جمله نقاط ضعفی است که متخصصان تأیید کرده‌اند.

فرصت‌ها: از جمله نقاط فرصت نهادهای خیریه و تأییدشده متخصصان عبارت است از: وجود ساختارها و مناسبت‌های مذهبی، وجود فرهنگ نیکوکاری و مبانی انگیزشی دینی مستحکم، حاکمیت دولت اسلامی و نگاه مثبت آن به امور خیریه، پیشرفت فناوری آمار و اطلاعات و بانکداری الکترونیک و وجود فضای مناسب بین‌المللی در امور خیرخواهانه.

تهدیدها: از جمله نقاط تهدید نهادهای خیریه که مورد تأیید متخصصان قرار گرفته، عبارت است از نبود توجه کافی به پیامدهای سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی بر نابسامانی‌های اجتماعی، ضعف اعتماد عمومی به مؤسسات خیریه، نبود قوانین مدون و شفاف، ضعف نظارت بر عملکرد نهادهای خیریه، ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از بخش خیریه و پیامدهای منفی تغییر ساختار جمعیتی (افزایش جمعیت سالمندی و زنان سرپرست خانوار و...).

وضعیت مطلوب حوزه تکافل اجتماعی در ایران

با توجه به نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت می‌توان توصیه‌های سیاستی تأییدشده خبرگان را در قالب سه نوع راهبرد اصلی برای رسیدن به وضعیت مطلوب به شرح ذیل تبیین کرد:

راهبرد ۱: نهادسازی بخش‌های مردمی امور خیریه با رویکرد شبکه‌ای

ضرورت ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در شبکه ملی، ضرورت ایجاد عنصر آموزش در شبکه ملی، ضرورت ایجاد عنصر تسهیل‌گر در شبکه ملی، ضرورت ایجاد عنصر خدمت‌رسان در شبکه ملی و ضرورت ارتقای عملکرد کنشگران فردی در شبکه ملی، از جمله راهکارهای تأییدشده متخصصان برای تحقق بخشی به این راهبرد است. با توجه به جدول ۶، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۹۵ است؛ همچنین اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت این گزینه ۰/۸۰ ارزیابی شده است.

راهبرد ۲: نهادسازی بخش‌های حاکمیتی امور خیریه با رویکرد شبکه ملی

ضرورت ایجاد عنصر سیاست‌گذار در شبکه ملی، ضرورت ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در شبکه ملی و ضرورت ایجاد عنصر نظارت‌گر در شبکه ملی، از جمله راهکارهای تحقق‌بخشیدن به این راهبرد و مورد تأیید متخصصان است. با توجه به جدول ۶، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۸۵ است؛ همچنین اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت این گزینه ۰/۳۳ ارزیابی شده است.

راهبرد ۳: شبکه‌سازی مؤسسات خیریه

انسجام‌بخشی به نهادهای خیریه و تشکیل سامانه ملی نهادهای خیریه تنها راهکاری است که برای تحقق‌بخشیدن به این راهبرد مورد تأیید متخصصان است. با توجه به جدول ۶، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۹۵ است؛ همچنین اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت این گزینه ۰/۵۲ ارزیابی شده است.

جدول ۶. میزان مطابقت و ضرورت راهبردهای پیشنهادی از منظر خبرگان

میزان ضرورت				میزان مطابقت							آیتم‌های مورد سنجش	
CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	غیرضروری	مفید ولی غیرضروری	ضروری	CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	نیاز به بازبینی جدی	غیر مرتبط		
۰/۸۰	۲۱	۰	۲	۱۹	۰/۹۵	۲۱	۱۴	۶	۱	۰	راهبرد شماره ۱	
۰/۳۳	۲۱	۱	۶	۱۴	۰/۸۵	۲۱	۱۳	۵	۲	۱	راهبرد شماره ۲	
۰/۵۲	۲۱	۱	۴	۱۶	۰/۹۵	۲۱	۱۵	۵	۰	۱	راهبرد شماره ۳	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۷. میزان مطابقت و ضرورت گزینه‌های مورد سنجه در راهبرد شماره ۱ از منظر خبرگان

میزان ضرورت					میزان مطابقت					گزینه‌های مورد سنجه	راهبرد شماره ۱
CVT	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	غیرضروری	مفید ولی غیرضروری	ضروری	CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	نیاز به بازبینی جدی		
۰/۸۲	۲۳	۰	۲	۲۱	۱	۲۳	۱۹	۴	۰	۰	ضرورت ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در شبکه ملی
۰/۸۲	۲۳	۰	۲	۲۱	۱	۲۳	۱۷	۶	۰	۰	ضرورت ایجاد عنصر آموزش در شبکه ملی
۰/۳۰	۲۳	۱	۷	۱۵	۰/۸۶	۲۳	۱۵	۵	۲	۱	ضرورت ایجاد عنصر تسهیل‌گر در شبکه ملی
۰/۰۴	۲۳	۲	۹	۱۲	۰/۸۶	۲۳	۱۱	۹	۳	۰	ضرورت ایجاد عنصر خدمات‌رسان در شبکه ملی
۰/۳۶	۲۲	۲	۵	۱۵	۰/۷۸	۲۲	۱۳	۵	۳	۲	ضرورت ارتقای عملکرد کنشگران فردی در شبکه ملی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۸. میزان مطابقت و ضرورت گزینه‌های مورد سنجه در راهبرد شماره ۲ از منظر خبرگان

میزان ضرورت					میزان مطابقت					گزینه‌های مورد سنجه		
CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	غیر ضروری	مفید ولی غیر ضروری	ضروری	CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	نیاز به بازبینی جدی	غیر مرتبط	راهبرد شماره ۲	
۰/۶۵	۲۴	۰	۴	۱۹	۰/۹۵	۲۴	۱۸	۴	۱	۰		ضرورت ایجاد عنصر سیاست‌گذار در شبکه ملی
۰/۳۰	۲۴	۰	۸	۱۵	۰/۹۱	۲۴	۱۴	۷	۲	۰		ضرورت ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در شبکه ملی
۰/۸۲	۲۳	۰	۲	۲۱	۰/۹۵	۲۳	۱۸	۴	۱	۰	ضرورت ایجاد عنصر نظارت‌گر در شبکه ملی	

جدول ۹. میزان مطابقت و ضرورت گزینه‌های مورد سنجه در راهبرد شماره ۳ از منظر خبرگان

میزان ضرورت					میزان مطابقت					گزینه‌های مورد سنجه	
CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	غیر ضروری	مفید ولی غیر ضروری	ضروری	CVI	تعداد افراد پاسخ‌دهنده	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	نیاز به بازبینی جدی	غیر مرتبط	راهبرد شماره ۳
۰/۶۳	۲۲	۰	۴	۱۸	۰/۸۶۳	۲۲	۱۵	۴	۳	۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

ایجاد عنصر سیاست‌گذار در بستر شبکه ملی

سیاست‌گذاری کارکرد اصلی هر دولت است. سیاست به‌طور کلی می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد؛ مانند سیاست‌های غیر مداخله‌ای، تنظیم، تشویق تغییرات داوطلبانه (مانند کمک‌های مالی) و ارائه خدمات عمومی (دفتر نوسازی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۵، ص ۸۲). در حال حاضر، بسیاری از کاستی‌های موجود در حوزه خیرخواهی ناشی از کاستی‌های حوزه سیاست‌گذاری در امر خیر است؛ برای مثال فهم مبهم و غیرجامع از فقر و محرومیت و نبود برداشت یکسان از این مقوله در سطوح مختلف سیاست‌گذاری (قریشی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۷)، نبود توجه کافی به پیامدهای اجتماعی ناشی از اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی، تعدد مراکز سیاست‌گذار (یاوری و رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۳) و ضعف نهادهای متولی نظارت (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵-۲۷۸) از جمله این کاستی‌هاست. همچنین، تکرار در امر سیاست‌گذاری در حوزه خیرخواهی، این بخش را با سردرگمی و ازهم‌گسیختگی مواجه کرده است که وحدت‌بخشی به امر سیاست‌گذاری در این بخش می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود در حوزه خیرخواهی را رفع کند.

در حوزه خیرخواهی افزون‌بر دولت، برخی از نهادهای دیگر مانند سازمان اوقاف و امور خیریه و کمیته امداد نیز به‌صورت جزئی در امر سیاست‌گذاری دخیل هستند. برخی سیاست‌گذاری‌های دولت ارتباطی مستقیم با حوزه خیرخواهی دارد و این سیاست‌گذاری برای بخش خیرخواهی انجام می‌پذیرد؛ مانند سیاست بخشودگی مالیاتی در مقابل بخشش به سازمان‌های خیریه، اما برخی دیگر از سیاست‌گذاری‌های دولت تأثیر مستقیمی بر بخش خیرخواهی ندارد، بلکه سیاست‌گذاری برای این بخش انجام نشده، پیامدهای این سیاست‌گذاری به شکلی غیرمستقیم بر پیکره بخش خیرخواهی تأثیرگذار است. با توجه به جدول ۹، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۹۵ است. همچنین، اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت این گزینه ۰/۶۵ ارزیابی شده است.

ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در بستر شبکه ملی

تنظیم، مجموعه گوناگونی از ابزارهاست که به‌کمک آن دولت نیازمندی‌های شرکت‌ها و مردم را تنظیم می‌کند. کارکردهای تنظیم‌کننده بنا به دلایل گوناگونی به وجود آمده‌اند. تعیین حقوق و مسئولیت‌های هریک از موجودیت‌های جامعه به‌منظور تحقق اهداف توسعه پایدار، تنظیم استانداردهای صنعتی، جمع‌آوری مالیات‌ها و دیگر درآمدها از آن جمله‌اند. روش‌های تنظیمی

انواع مختلفی^۱ دارند که همه آنها می‌تواند در یک کشور استفاده شود (دفتر نوسازی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۵، ص ۸۳). در این میان، قوانین و مقررات نقش عمده‌ای در تنظیم‌گری حوزه خیرخواهی و تصحیح مسیر حرکت آن ایفا می‌کنند.

در حال حاضر، از هم‌گسیختگی و نبود هماهنگی قوانین و مقررات در حوزه خیرخواهی، نداشتن شفافیت قوانین در حوزه خیرخواهی (مسعودی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۹؛ طغیان، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵)، نبود جایگاه مناسب قانونی برای خیران (نکویی مقدم و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵) و نبود بستر قانونی برای ساماندهی به مؤسسات عام‌المنفعه (یاوری و رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۳) از جمله کاستی‌های مربوط به بخش تنظیم‌گر و قانون‌گذار حوزه خیرخواهی است. حرکت بخش خیرخواهی در مسیر صحیح در گرو این است که مجموعه کنشگران فعال در حوزه خیرخواهی، تحت حاکمیت قوانین مدون و مقبول قرار گیرند. با توجه به جدول ۹، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۹۱ است، ولی اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته نشده است.

ایجاد عنصر نظارت‌گر در بستر شبکه ملی

کنترل و نظارت فرایندی سامانمند و نظام‌مند است که با هدف اصلاح و بهبود و به‌منظور تعیین استانداردهای عملکرد برای اهداف برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود. همچنین، باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و تصویر روشنی از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه از عوامل را در اختیار مسئولان و مدیران قرار می‌دهد تا برای رفع و اصلاح آن اقدام شود (استیفن، ۱۳۷۸)؛ بنابر این تعریف، فرایند کنترل از چهار مرحله اصلی تعیین معیار یا استاندارد، سنجش عملکرد، تشخیص انحرافات و انجام اقدامات اصلاحی تشکیل شده است (رضائیان، ۱۳۶۹، ص ۱۹). برخی این فرایند را شامل مراحلمانند تعیین شاخص‌ها یا معیارهای متناسب با هدف‌های برنامه و پیش‌بینی نتایج برنامه، تهیه و تدوین اطلاعات مربوط به اقدامات، مقایسه اطلاعات مدون با معیارها و شاخص‌ها و تصمیم‌گیری و اقدام اصلاحی برای رفع نواقص یا تصحیح انحراف‌ها می‌دانند (جاسبی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۱-۲۴۸).

نظام نظارتی هنگامی کارآمد است که اصلاح‌گر و درصدد ارائه راه‌حل‌های اصلاحی باشد؛ مثبت‌نگر باشد و با دیدی مثبت به مسائل بنگرد؛ پیش‌نگر باشد و پیش از وقوع خطاها و اشتباهات بتواند آنها را تشخیص دهد و از آنها جلوگیری کند؛ عینیت‌گرا باشد و نظارت را با معیارهای دقیق و عینی انجام دهد؛ سازمان‌گرا باشد و مجموعه سازمان را مدنظر قرار دهد؛ واقع‌گرا باشد و در

۱. به صورت کلی انواع تنظیمات عبارت‌اند از: ۱. فرمان و کنترل ۲. خودتنظیمی ۳. تنظیم مبتنی بر تشویق.

ارزیابی‌ها ملاحظات واقعی را نیز در نظر بگیرد؛ کارا و غایت‌نگر باشد و در موضوعاتی که نظارت و عدم نظارت یکسان است، هزینه نظارت پرداخت نکند؛ کل‌نگر باشد؛ مجموعه فعالیت‌ها را در کنار هم ارزیابی و داده و ارزش هر جزء را در رابطه با اجزای دیگر بررسی کند؛ مشتری‌گرا باشد و شاخص رضایت مشتری یا ارباب‌رجوع را ملاک عمل قرار دهد؛ درونی (فرهنگ‌مدار) باشد؛ همچنین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها قبل از آنکه به کمک یک عامل خارجی کنترل و نظارت قرار شوند، خود به کنترل خود بپردازند (دانشور، بی‌تا، ص ۳-۵۵). آخرین ویژگی برای کارآمد بودن نظارت مربوط به نامتمرکز بودن نظارت است و باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌گونه اثر سوئی بر جای نگذارد.

نبود نظارتی جامع و کارآمد با توصیفات پیش‌گفته، بر فعالیت‌های مؤسسات عام‌المنفعه و خیریه‌ها و استقرار خیریه‌های غیرقانونی در کشور یکی از مهم‌ترین کاستی‌هایی است که در بخش خیرخواهی کشور وجود دارد. ضعیف بودن بسترهای قانونی برای سامان‌دهی به خیریه‌ها، وجود کلاهبرداری‌های حرفه‌ای و سوءاستفاده‌های مکرر از برند مؤسسات خیریه (یاوری و رحیمیان، ۱۳۹۵، ص ۳)، نبود سازمان ناظر بر عملکرد خیریه‌ها، وجود چندین سازمان مجوزدهنده، نبود بانک جامع اطلاعاتی، وجود خیریه‌های سیار و غیرمستقر (مرتب و یاوری، ۱۳۹۵، ص ۲) شواهدی گویا بر نبود نظارت در حوزه خیرخواهی است. در این میان، تلفیق بخش خصوصی و دولتی در امر نظارت می‌تواند به کارآمدی بیشتر نظارت منتهی شود. با توجه به جدول ۸ روایی محتوای مقیاس تأییدشده متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۹۵ است. همچنین، اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته‌شده و مقدار ضرورت آن ۰/۸۲ ارزیابی شده است.

ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در بستر شبکه ملی

ماهیت پیچیده فرهنگ و کارکردهای آن در تحولات جامعه، تلقی تقلیل‌یافته از مفهوم فرهنگ در ذهن بسیاری از نخبگان، بی‌توجهی به اهمیت انگیزه‌های درونی و تکیه بیش‌ازحد به بهره‌گیری از ابزارهای قانونی برای اصلاح رفتار افراد، بازدهی بلندمدت، تدریجی و غیرقابل تبلیغ بودن فعالیت‌های فرهنگی، نبود مطالبه مردمی برای اصلاح کارکرد فرهنگی دولت‌ها، وجود ساختار بوروکراتیک متمرکز با سلسله‌مراتب زیاد، درک نادرست جایگاه فرهنگ در میان نخبگان کشور از جمله کاستی‌های موجود در حوزه فرهنگ‌سازی و تبلیغات است (بنیانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۸). امروزه تبلیغات را به معنای تأثیرگذاری بر افکار و باورهای دیگران می‌دانند. هدف تبلیغات فراهم کردن موجبات گرایش یا اجتناب بیشترین شمار ممکن از افراد به جهان‌بینی، حزب یا نظام سیاسی است

(سهرابی، ۱۳۹۵، ص ۲۱). روان‌شناسان اجتماعی تبلیغات را انتشار منظم و برنامه‌ریزی شده باور، آیین یا کالایی تعریف کرده‌اند. براساس این دیدگاه تبلیغات چهار رکن اصلی دارد که عبارت‌اند از: پیام‌رسان یا مبلغ، پیام مدنظر، رسانه یا واسطه ارسال پیام، پیام‌گیران یا مخاطبان. در واقع می‌توان تبلیغ را به صورت «چه کسی؟ چه چیزی را؟ چگونه؟ به چه کسی؟» مطرح کرد که هر پرسش معرف یکی از چهار رکن تبلیغات محسوب می‌شود.

هریک از این ارکان باید ویژگی‌هایی داشته باشند تا پیام تبلیغاتی مؤثر واقع شود (همان، ص ۲۹). امروزه تبلیغات یکی از ابزارهای قوی و کارآمد کسب درآمد در جامعه تلقی می‌شود. تولیدکنندگان و فروشندگان برای بیشینه کردن سود، هزینه‌های گزافی را به تبلیغات اختصاص می‌دهند. قدرت و تأثیرگذاری این ابزار برای هیچ‌کسی مخفی نیست. اگرچه تبلیغات در دنیای امروز برای حداکثرسازی سود و منافع شخصی استفاده می‌شود، به‌کارگیری آن در حوزه خیرخواهی می‌تواند تأثیرات شگرفی ایجاد کند؛ زیرا بهره‌گیری از شیوه‌های جدید تبلیغات می‌تواند با تقویت انگیزه‌های بخشش در خیران، امر خیر را گسترش دهد. با توجه به جدول ۷، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۱ است. همچنین، اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت آن ۰/۸۲ ارزیابی شده است.

ایجاد عنصر آموزش در بستر شبکه ملی

هدف تبلیغات تهییج، انگیزه‌سازی و اثرگذاری بر مخاطب و هدف اصلی آموزش شناخت هست‌ها، خوب و بدهاست؛ بنابراین، در بخش خیرخواهی علاوه بر نهاد تبلیغات و فرهنگ‌ساز به نهاد آموزش نیز نیازمندیم. اقامه خیر و نیکوکاری مانند ده‌ها عمل دیگر انسانی نیازمند آموزش انبای بشر است، اما آموزش نیکوکاری توسط نهاد آموزش باید در کنار پرورش نیکوکار انجام گیرد تا در کنار هم بتوانند افراد جامعه را به قله ایثار و از خودگذشتگی برسانند. همچنین، هرکدام بدون دیگری ناقص و بی‌حاصل خواهد ماند.

آموزش نیکوکاری به‌واقع تأمین شرایط استمرار این عمل ارزشمند و درعین حال مورد نیاز حیات اجتماعی است. سرمایه‌گذاری در این موضوع، درختی را در جامعه می‌نشانند که پرتمر خواهد بود و بازتولید آن به‌واسطه خودش به بار خواهد نشست (موسی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۴-۷). منظور از آموزش نیکوکاری به‌کارگیری تمام عوامل آموزش از جمله اهداف آموزشی، محتوای برنامه درسی، روش‌های تدریس، کارکنان و مربیان تربیتی، محیط یادگیری و دیگر عوامل مربوط به آن در شکل‌گیری شناخت سبک زندگی خیرخواهانه در مخاطبان است؛ بنابراین آموزش یکی از

مقدمات رسیدن به شکل‌گیری رفتارهای خیرخواهانه است. هدف آموزش شناخت است و پس از شناخت نهادهای فرهنگی باید کارهای تکمیلی را انجام دهند تا رفتارهای خیرخواهانه در عمل شکل بگیرند. اصول و راهکارهایی برای اجرایی شدن آموزش نیکوکاری به فرزندان وجود دارد که از این میان، اصل الگودهی، اصل تشویق، اصل آشنایی کودکان با فطرت خود و اصل آشنایی کودکان با لذت کمک‌رسانی از همه مهم‌ترند. آموزش اخلاق و وظیفه سه عنصر خانواده، مدرسه و اجتماع است؛ بنابراین در برنامه آموزشی نیکوکاری باید به این سه عنصر مهم توجه کافی شود (عیاری، ۱۳۹۷، ص ۱۰-۱۹).

نهاد آموزش در حوزه تکافل اجتماعی، حلقه گمشده‌ای است که اهتمام به فعال کردن این نهاد می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود در این حوزه را مرتفع کند. آموزش خیرخواهی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. آموزش عمومی: به این معنا که عموم مردم، دانش‌آموزان و دانشجویان باید در ضمن برنامه‌های آموزشی که برای بهتر زیستن می‌آموزند، آموزش‌های لازم برای خیرخواهی را نیز فراگیرند.

۲. آموزش تخصصی: به این معنا که در نهاد آموزشی کشور رشته‌ای وجود داشته باشد که به صورت تخصصی به امر نیکوکاری پردازد و خروجی آن تربیت کارشناسان، محققان و مدرسان عرصه خیرخواهی باشد؛ برای مثال درباره بهداشت، یک دسته آموزش‌های عمومی در ضمن برنامه‌های درسی وجود دارد که همه باید فراگیرند. یک دسته هم رشته‌های خاص پزشکی است که به صورت تخصصی به این کار می‌پردازند. در امر نیکوکاری هم باید به همین منوال باشد. با توجه به جدول ۷، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۱ است. همچنین، اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت آن ۰/۸۲ ارزیابی شده است.

ایجاد عنصر تسهیل‌گر در بستر شبکه ملی

تسهیل‌گر سازمان‌های محلی یا بین‌المللی هستند که معمولاً توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شوند و هدف آنها توسعه و بهبود بازار خدمات است. یک تسهیل‌گر تأمین‌کنندگان خدمات را با انجام فعالیت‌های خدماتی جدید، ارتقای تجارب مفید و ایجاد ظرفیت حمایت می‌کند. کارکردهای دیگر یک تسهیل‌گر شامل ارزیابی خارجی تأثیر تأمین‌کنندگان خدمات، تضمین خدمات و حمایت برای محیط سیاسی بهتر است. عمل تسهیل‌گر کردی است که به‌طور معمول سازمان‌های

توسعه‌گرا انجام می‌دهند و می‌تواند شامل سازمان‌های غیردولتی، کارفرمایان و عامل‌های دولتی باشد. افزون‌بر موارد یادشده در حوزه وقف و امور خیریه فراهم‌آوردن پایگاه داده‌ای از مجموعه خیریه‌ها یا انجام خدمات مشاوره‌ای برای مؤسسات خیریه نیز می‌تواند کارکردهای تسهیل‌کنندگان در نظر گرفته شود.

حضور عناصر تسهیل‌گر می‌تواند یکی از ضروری‌ترین و مؤثرترین عناصر در حوزه خیرخواهی ایفای نقش کند. وجود این عناصر در هر مجموعه‌ای می‌تواند آن مجموعه را به سرعت به اهداف از پیش تعیین‌شده نزدیک کند. در ایران، شبکه ملی مؤسسات نیکوکاری و خیریه، پایگاه اطلاع‌رسانی خیریه‌ها و سمن‌های کشور، سایت مرجع سازمان‌های مردم‌نهاد، سامانه مددجویی و یکی نیکی، خانه خیریه ایران و سامانه سایه از جمله پایگاه‌ها و نهادهای انسجام‌بخش و تسهیل‌گر در حوزه خیرخواهی است. ترویج این قبیل مؤسسات و مراکز می‌تواند حرکت روان چرخه خیرخواهی کشور را تضمین کند. با توجه به جدول ۷، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۸۶ است، اما اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته نشده است.

ایجاد عنصر خدمت‌رسان در بستر شبکه ملی

مفهوم گسترده خدمت‌رسانی می‌توان را در متون دینی در میان مفاهیمی از قبیل تلاش در برآوردن نیازهای مؤمنان، ورود سرور در قلوب آنان، احسان، اهتمام به امور مسلمانان، اعانت مسلمین، یاری‌رساندن به گرفتاران، گشودن گرفتاری مؤمنان و مانند آن جستجو کرد. این مفهوم گسترده شامل سودرسانی افراد به یکدیگر یا هموعان است و به صورت وام‌دادن، سیرکردن، پوشاندن، رفع گرفتاری از یکدیگر و نیز همکاری زن و شوهر در محیط خانه و خدمات عام‌المنفعه از قبیل مدرسه‌سازی، تأسیس دانشگاه، ساختن خوابگاه‌های دانشجویی، وقف کردن اموال برای محرومان و اقشار آسیب‌پذیر و... بروز می‌کند؛ چنان‌که خدمت‌گزاری به مردم در نظام دینی به صورت نهادینه‌شده نیز نوعی دیگر از مصادیق خدمت‌رسانی است. در این قسمت، مقصود تنها خدمت‌رسانی به اقشار ضعیف و ناتوان جامعه است؛ بنابر این تعریف، نهاد خدمت‌رسان نهادی است که به منظور ارائه خدمت به فقرا جامعه تأسیس شده است. این نهاد تلاش می‌کند با واسطه‌گری میان اغنیا و فقرا جامعه، بستر بهتر زیستن را برای نیازمندان فراهم کند.

تأکیدات اسلامی به شکل‌گیری مؤسسات خدمت‌رسان فراوانی در ایران منجر شده است که تلاش می‌کنند به این دستور اسلامی جامه عمل بپوشانند. در نهادنگاشت تکافل اجتماعی عناصر نهاد خدمت‌رسان باید به مسائلی مانند ارائه خدمات غیرحضور و کاهش وابستگی، خدمات با

رویکرد توانمندسازی، خدمات محرمانه، خدمات محرمانه، خدمات هدفمند، زمان‌دار و بهنگام اهتمام داشته باشند.

برخی از نهادهای خیریه در ایران، اعم از دولتی، شبه‌دولتی و مردمی، تنها رسالت خود را خدمت‌رسانی به محرومان و مستضعفان کشور تعریف کرده‌اند؛ برای مثال بنیاد برکت، ستاد اجرایی فرمان امام خمینی رحمته‌الله، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور نهاد ریاست جمهوری، سازمان بهزیستی، دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور، سازمان‌هایی کاملاً دولتی هستند که با هدف ارائه خدمات حمایتی تأسیس شده‌اند. کمیته امداد امام خمینی رحمته‌الله، بنیاد شهید، بنیاد علوی، گرم‌خانه‌های شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی از برخی جهات شبیه نهادهای دولتی هستند و در پاره‌ای دیگر به نهادهای مردمی مشابه دارند؛ بنابراین در قلمرو نهادهای حمایتی شبه‌دولتی، به خدمت‌رسانی مشغول هستند. در این میان جامعه نیکوکاری ابرار، مؤسسه خیریه محک، مؤسسه حمایت از مستمندان تبریز، مؤسسه خیریه کهریزک، مؤسسه خیریه امام علی علیه‌السلام و انجمن خیرین مسکن‌ساز، تنها بخش کوچکی از نهادهای خیریه مردمی خدمت‌رسان در حوزه خیرخواهی قلمداد می‌شوند.

اهتمام این قبیل نهادهای خیریه، بهبود کیفیت خدمت‌رسانی به فقرا و محرومان جامعه است. نهادنگاشت تکافل اجتماعی در صورت استقرار می‌تواند برای این قبیل مؤسسات و نهادهای خیریه بستری هموار با هدف تقویت خدمت‌رسانی ایجاد کند. درحقیقت، استقرار نهادنگاشت نه تنها تهدیدی برای وجود این قبیل مؤسسات و نهادهای خیریه قلمداد نمی‌شود؛ بلکه بستری هموار را برای خدمت‌رسانی بهتر آنها در حوزه خیرخواهی فراهم می‌کند. با توجه به جدول ۷ روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۸۶ است، اما اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته نشده است.

ارتقای عملکرد کنشگران فردی در بستر شبکه ملی

وجه مشترک تمامی نهادهای هشت‌گانه پیش‌گفته این بود که کنشگری آنها از سنخ کنشگری سازمانی است. در نهادنگاشت تکافل اجتماعی می‌توان نوع دیگری از کنشگری انفرادی را نیز در نظر گرفت. منظور از کنشگر انفرادی در این تحقیق، عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه خیر هستند. بخش تکافل اجتماعی متشکل از عرضه‌کنندگان خدمات خیرخواهی (خیران) و متقاضیان خدمات خیرخواهی (نیازمندان) است (Andreoni, 2007, p. 1). بازیگران اصلی طرف تقاضا،

فقرا و نیازمندان هستند. آنها کالا و خدمات خیرخواهانه‌ای را تقاضا می‌کنند که به واسطه پول و زمان اهداشده از سوی خیران تولید شده است (ibid). در نهاد تکافل اجتماعی اسلام، نیازمندان در صنوف متفاوت تری از اقتصاد متعارف تقسیم‌بندی شده‌اند. فقرا و مساکین، بیماران، بدهکاران، سالمندان، حادثه‌دیدگان، بیکاران، نیازمندان محتاج به تشکیل خانواده، بی‌مسکن‌ها و در راه‌ماندگان در سمت تقاضای تکافل اجتماعی در اسلام قرار دارند. نهاد تکافل اجتماعی نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند پاسخ‌گوی نیاز همه متقاضیان باشد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۵-۴۰).

ماهیت تقاضا در خدمات تکافلی متفاوت از ماهیت تقاضا در کالاهای خصوصی است؛ زیرا در کالاهای خصوصی متقاضی به کسی گفته می‌شود که تمایل، قدرت و توان خرید را داشته باشد، اما درباره خدمات تکافلی متقاضی کسی است که نیاز برآورده‌نشده‌ای داشته (فقیر باشد) و همچنین، تمایل به دریافت کمک داشته باشد. بازیگر اصلی طرف عرضه خیران و داوطلبان هستند که با تزریق پول و تخصیص زمان تلاش می‌کنند کالا و خدمات خیرخواهانه تولید کنند و به دست نیازمندان (متقاضیان) برسند. در بسیاری از موارد مؤسسات خیریه وساطت میان عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان را بر عهده دارند (Andreoni, 2007, p. 1). از منظر قرآن کریم، بازیگران اصلی در طرف عرضه کسانی هستند که تمایل و توان پرداخت را داشته باشد.

بنابر این تعریف، افراد جامعه اسلامی درون نهادنگاشت تکافل اجتماعی، به دو گروه عرضه‌کننده و تقاضاکننده و جوه خیر تقسیم می‌شوند. در این جامعه، عرضه‌کنندگان معتقدند ثروت امانتی الهی است که خداوند تبارک و تعالی در اختیار ایشان قرار داده است تا آنها، آن را به صاحبان اصلی، یعنی همان تقاضاکنندگان و نیازمندان برسانند. این نوع نگرش در بیشتر جوامع دینی در میان اقشار دین‌دار وجود دارد. ترویج این تفکر به همراه بسترسازی برای برقراری ارتباط آسان، مستقیم و مطمئن میان این دو گروه از افراد جامعه با گسترش زیرساختارهای لازم می‌تواند شرایطی را فراهم کند تا نهادنگاشت تکافل اجتماعی به بالندگی و رشد لازم دست یابد. حضور فعال افراد جامعه در شکل‌گیری، استقرار و هدایت این نهادنگاشت، یکی از پایه‌های اصلی و اصیل است. با توجه به جدول ۷، این گزینه نیاز به بازنگری دارد و میزان مطابقت آن ۰/۷۸ است. اعتبار محتوای این گزینه نیز پذیرفته نمی‌شود.

ترسیم نگاشت نهادی مطلوب در حوزه تکافل اجتماعی

در این قسمت، مبتنی بر سیاست‌های پیشنهادی و مورد تأیید خیرگان و با اتخاذ نگرشی جامع، نهادنگاشتی هشت‌لایه‌ای متشکل از نهادهای سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، ناظر، فرهنگ‌ساز، آموزش،

تسهیل‌گر، خدمت‌رسان و کنشگران انفرادی پیشنهاد شده است که بتواند زمینه‌های مورد نیاز برای ساماندهی نهادهای خیریه، تسهیل در زدودن فقر مطلق، کاهش تکدی‌گری و ارتباط جامع، آسان، سریع و مطمئن فقرا و اغنیا را فراهم کند. گفتنی است در این نما، دو مثلث (عناصر مؤثر مستقیم و عناصر مؤثر غیرمستقیم) با سطوح هشت‌گانه نهادی (سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، نظارت، فرهنگ‌ساز، آموزش، تسهیل‌گر، خدمت‌رسان و کنشگران انفرادی) تصویر شده است. با توجه به جدول ۹، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید متخصصان و میزان مطابقت این گزینه ۰/۸۶۳ است. همچنین اعتبار محتوای این گزینه پذیرفته شده و مقدار ضرورت این گزینه ۰/۶۳ ارزیابی شده است.

عناصر مؤثر غیرمستقیم



برای برون‌رفت از آسیب‌های موجود در حوزه خیرخواهی باید از نقاط قوت و فرصت موجود بهره‌گرفت تا بخش خیرخواهی کشور را از ضعف‌ها و تهدیدهای موجود، رهایی بخشید. برای نجات‌بخشی خیریه، استقرار نهادنگاشتی جامع در حوزه تکافل اجتماعی الزامی است. نهادنگاشتی که حداقل باید از هشت سطح نهادی برای ارائه عملکرد بهینه برخوردار باشد. سطح

اول، نهاد سیاست‌گذاری است. از لحاظ تقدم رتبی این سطح بر تمامی سطوح دیگر مقدم است. این نهاد باید همه توان خود را به کار بندد تا سیاست‌هایی منطقی را در حوزه خیرخواهی با بهره‌گیری از نظر دانشمندان و کارشناسان بخش خیریه اتخاذ و برای اجرا به سطوح زیردستی ابلاغ کند. طبیعی است عملیاتی‌شدن سیاست‌گذاری‌ها در گرو تصویب قوانین و مقررات متقن و اجراشدنی است؛ از این رو سطح دوم، نهاد تنظیم‌گری و قانون‌گذاری پیشنهاد شده است که در ترتیب مرحله‌ای و اقدام، پس از مقام سیاست‌گذاری می‌باشد. همواره در تمامی حوزه‌ها می‌توان مراتبی از فساد و تخلف را در نظر گرفت. اگرچه فساد در همه حوزه‌ها امری نازیبا و تنفرآفرین است، در حوزه خیرخواهی به‌خاطر تقدس موضوعی، سیمایی به‌مراتب زشت‌تر و قبیح‌تر دارد؛ بنابراین، وجود عین ناظره‌ای که بتواند با قوت بر همه امور اشراف داشته باشد و فرایند سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا را با چشمی تیزبین رصد کند، الزامی است. این مهم بر عهده نهاد نظارت و کنترل در سطح (لایه) سوم نهادنگاشت گذاشته شده است که از لحاظ نظم منطقی پس از دو سطح پیش‌گفته قرار دارد. ترویج خیرخواهی و گسترش آن در جامعه اسلامی مستلزم وجود فرهنگ‌سازان پر قدرت و آموزش‌های جذاب است. این خطیر بر عهده دو نهاد فرهنگ‌ساز و آموزش‌گر نهادنگاشت یعنی سطوح چهارم و پنجم قرار گرفته است و از لحاظ رتبی پس از سطوح پیشین قرار دارند.

حرکت روان چرخه خیرخواهی در کشور با توجه به پیچیدگی‌ها، مستلزم عناصری تسهیل‌گر در درون و بیرون نهادنگاشت است. هریک از این عناصر بخشی از حرکت این چرخه درهم‌تیده را تسهیل می‌کنند. این وظیفه در نهادنگاشت تکافل اجتماعی بر عهده نهاد تسهیل‌گر در سطح ششم قرار گرفته است. این سطح از نهادنگاشت، پس از سطوح قبل می‌تواند تأثیرات فراوانی بر چرخه خیرخواهی کشور ایجاد کند. در سطوح پایین نهادنگاشت، سطح خدمت‌رسانی در نظر گرفته شده است. در این سطح تمامی مراکز خیرخواهی خدمت‌رسان ایفای وظیفه می‌کنند. حرکت منسجم عناصر خدمت‌رسان می‌تواند مقدمات توانمندسازی فقرای جامعه را فراهم کند. این سطح از جهت گستردگی از دیگر سطوح گسترده‌تر است، اما از جهت تقدم و تأخر در مرحله متأخر قرار می‌گیرد؛ زیرا به‌نوعی جامعه هدف برای تمامی سطوح پیش‌گفته به حساب می‌آید. گفتنی است که تمام سطوح هشت‌گانه مطرح‌شده در نهادنگاشت به‌نوعی ناظر بر عملکرد کنشگران انفرادی، یعنی عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه خیر است. استقرار این نهادنگاشت می‌تواند به افزایش احساس عزت‌مندی تقاضاکنندگان، محو تکدی‌گری و تعالی روحی و معنوی عرضه‌کنندگان بینجامد. همچنین این نهادنگاشت می‌تواند در محو تکدی‌گری و زدودن فقر در جامعه نقش

مؤثری ایفا کند. از سوی دیگر، افزون بر گسترش انسجام، انضباط و قاعده‌مندی همهٔ ساحت‌های خیرخواهی، تشکیل این نهادنگاشت می‌تواند بستر شکل‌گیری دانش خیرخواهی در کشور را فراهم کند. پیش‌بینی می‌شود در صورتی که این نهادنگاشت بر اساس اصول و قواعد اسلامی مطرح شده در قسمت‌های قبل فعالیت کند، نتایجی مانند افزایش احساس عزت‌مندی به لحاظ تقاضاکنندگان، تعالی روحی و معنوی به لحاظ عرضه‌کنندگان، کمک به محو تکدی‌گری و تسهیل در زدودن فقر مطلق، گسترش انسجام، انضباط و قاعده‌مندی در حوزه خیرخواهی و امکان شکل‌گیری دانش خیرخواهی در کشور به لحاظ مجموعهٔ مشارکت‌کنندگان را به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

تکافل اجتماعی اصطلاحی است که برنامه‌ها و اقدامات جامع اسلام در راستای احساس مسئولیت همگانی در برابر نیازهای نیازمندان جامعه را بازگو می‌کند. توصیه‌های سیاستی مورد تأیید خبرگان حاکی از آن است که ترسیم نهادنگاشت مطلوب در حوزه تکافل اجتماعی، یافتن راه‌حلی برای برون‌رفت از بسیاری از مشکلات موجود در این حوزه است. بی‌شک این راهکار، راهکاری اسلامی است؛ زیرا برای رفع نیازهای واقعی انسان طراحی شده است؛ نیازهایی که لازمهٔ حیات طیبه، پیمودن مسیر تکامل معنوی و رسیدن به جایگاه قرب الهی هستند. همچنین، بر بنیاد مبانی اعتقادی و فلسفی اسلامی استوار شده و از اصول و قواعد رفتاری آن پیروی می‌کنند. افزون بر اینها بایسته‌های فردی و تکالیف عملی افراد مسلمان، تحقق آن را تضمین می‌کنند و در نهایت نیز رفتارهای شایستهٔ افراد مسلمان، حسن اجرای آن را برآورده می‌کنند.

همچنین، این راهکار، راهکاری علمی و عملی برای حرکت به سمت نهادنگاشتی مطلوب به‌شمار می‌رود. ایجاد عنصر سیاست‌گذار در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر نظارت‌گر در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر آموزش در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر تسهیل‌گر در بستر شبکهٔ ملی، ایجاد عنصر خدمت‌رسان در بستر شبکهٔ ملی و ارتقای عملکرد کنشگران فردی در بستر این شبکه از جمله توصیه‌های سیاستی خبرگان برای وصول به نگاشت نهادی مطلوب در حوزه تکافل اجتماعی است؛ از این‌رو تلاش شد بر پایهٔ همین توصیه‌های سیاستی، نهادنگاشتی هشت‌لایه‌ای ترسیم شود.

در این راستا تلاش شد کاستی‌های سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، نظارت، فرهنگ‌سازی، آموزش، تسهیل‌گری، خدمت‌رسانی و کنش‌های انفرادی تکافل اجتماعی در ایران شناسایی و

راهکارهایی برای رفع آنها پیشنهاد شود. طبیعی است برطرف شدن نقایص نهادی، وضعیت این نوع خدمات را در مسیر وضعیت مطلوب قرار می‌دهد. با بهبود عملکرد نهادهای سیاست‌گذار، قانون‌گذار، نظارت‌گر، فرهنگ‌ساز، آموزش، نهادهای تسهیل‌گر، خدمت‌رسان و مهم‌تر از همه کنش‌گران انفرادی و تکافل اجتماعی در ایران، نتایج زیر به‌عنوان نتایج مطلوب دور از انتظار نخواهد بود:

۱. افزایش احساس عزت‌مندی تقاضاکنندگان خدمات تکافلی؛
۲. تعالی روحی و معنوی عرضه‌کنندگان خدمات تکافلی؛
۳. کاهش پیوسته تکدی‌گری تا محو کامل آن و زدایش فقر از چهره جامعه؛
۴. گسترش انسجام، انضباط و قاعده‌مندی در حوزه خیرخواهی جامعه و نهادهای تکافل اجتماعی؛
۵. امکان شکل‌گیری و انباشت دانش خیرخواهی در کشور؛
۶. انباشت سرمایه اجتماعی و رسیدن به رشد و توسعه انسانی و رفاه همگانی.

منابع

- ✽ قرآن کریم.
- ✽ نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، من لا یحضره الفقیه. الطبعة الثانية، قم: منشورات جامعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
 ۲. ابوزهرة، محمد (۱۹۹۱)، التكافل الاجتماعي فی الاسلام، طبع جدید. قاهره: دار الفكر.
 ۳. احمدی، زین العابدین، و احمدی، حسنعلی (۱۳۸۶)، انفاق و صدقه در اسلام. چاپ پنجم، قم: انتشارات میثم تمار.
 ۴. استیفن، رابینز (۱۳۷۸)، تنوری سازمان؛ ساختار و طرح سازمانی، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد. تهران: نشر اشراقی صفار.
 ۵. بنیانیان، حسن (۱۳۹۵)، مسئولیت دولت‌ها در گسترش فرهنگ امر خیر و سیاست‌گذاری‌های ضروری. مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)، اصفهان: بنیاد خیریه راهبری آلاء.
 ۶. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی نظریه‌ها و مدل‌های رفتار عام‌المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی». جستارهای اقتصادی ایران، ۱۱ (۲۲)، ص ۶۷-۹۳.
 ۷. جاسبی، عبدالله (۱۳۶۸)، اصول و مبانی مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۸. جهانیان، ناصر (۱۳۸۵)، جایگاه وقف در اقتصاد بخش سوم. اقتصاد اسلامی، ۶۲، ص ۷۹-۱۰۶.
 ۹. حاجی‌زاده، ابراهیم، و اصغری، محمد (۱۳۹۰)، روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی. چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی.
 ۱۰. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۸)، «الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی». اقتصاد اسلامی، ۸ (۳۴)، ص ۷-۳۸.
 ۱۱. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۴)، «الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۲. حسینی، سیدرضا، و کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۳۹۷)، «مبانی تکافل اجتماعی در اسلام». معرفت، ۲۷ (۲)، ص ۲۳-۳۵.

۱۳. حسینی، سیدرضا، و کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی نهادهای خیریه در ایران با تأکید بر استخراج راهبردها و راهکارهای ارتقابخش خیریه با استفاده از تکنیک SWOT». جستارهای اقتصادی ۱۹۴۹.۶۷۵۰.۲۰۲۰.۱۰.۳۰۴۷۱/iee. doi: 10.30471/iee.2020.6750.1949.
۱۴. دانشور، غلامرضا (بی‌تا). اصول نظارت و کنترل. تبریز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی.
۱۵. دفتر نوسازی سازمان اوقاف و امور خیریه (۱۳۹۵)، آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در آلمان. چاپ اول، تهران: دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴)، مبانی اقتصاد اسلامی. چاپ دوم، تهران: سمت.
۱۷. دلیری، کاظم (۱۳۹۸)، درآمدی بر سبک بخشنده‌گی. چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. رجایی، سید محمدکاظم، محمدیان، مهدی و انصاری، نصرالله (۱۳۹۸)، الگوی توزیع درآمد و ثروت از دیدگاه قرآن کریم. چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۱۹. رضائیان، علی (۱۳۶۹)، اصول مدیریت. تهران: انتشارات سمت.
۲۰. سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، <https://rc.majlis.ir>.
۲۱. سهرابی، فرامرز (۱۳۹۵)، روان‌شناسی تبلیغات و رسانه. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله.
۲۲. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ ق)، اقتصادنا. تحقیق: عبدالحکیم ضیاء و دیگران، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم، جلد ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق. چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.
۲۵. طغیانی، مهدی (۱۳۹۵)، اقتصاد وقف و امور خیریه. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۶. طغیانی، مهدی، و درخشانی، مرتضی (۱۳۹۵)، اقتصاد وقف و خیریه. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۲۷. علوان، عبدالله ناصح (بی تا). تکافل الاجتماعی فی الاسلام. الاصدار الاول، دارالسلام للطباعة و النشر و التوزيع.
۲۸. عیاری، لیلا (۱۳۹۷)، چستی، «چرایی و چگونگی آموزش نیکوکاری، تجارب ملی و بین المللی». مطالعات و مدیریت امر خیر وابسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء، ۱، ص ۱۰-۱۹.
۲۹. قابل، احمد (۱۳۸۳)، اسلام و تأمین اجتماعی. چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۳۰. قریشی، سیدجمال، اعیانی ثانی، ایمان، نریمان، سعید، و کاظم زاده، امیر (۱۳۹۵)، «نظام مرجعیت خیریه: موانع تحقق مرجعیت خیریه های سنتی دینی در سطح نهادی». مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران). تهران: بنیاد خیریه راهبری آلاء.
۳۱. کاظمی نجف آبادی، مصطفی، و حسینی، سیدرضا (۱۳۹۸)، «راهبردها و راهکارهای ارتقابخش خیریه». معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۱)، ص ۹۱-۱۰۹.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۹). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری. الطبعة الثانية، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۳. محمدی، فاطمه (۱۳۹۰)، همشهری اقتصادی، <http://www.asriran.com/fa/news> کد خبر: ۱۹۹۰۸۸، دانلود ۹۱/۱۱/۲ و سایت انتخاب <http://www.entekhab.ir/fa/news>.
۳۴. محمودی، مالک، و ابراهیمی، بهادر (۱۳۶۵)، تأمین اجتماعی در اسلام: زیر نظر استاد جعفر سبحانی. چاپ اول، تهران: انتشارات مسجد الغدیر.
۳۵. مرتب، یحیی، و یآوری، وحید (۱۳۹۵)، «بررسی چگونگی نظارت کارآمد بر نهادها و فعالیت های خیریه». اولین همایش ملی خیر ماندگار، تهران: بنیاد خیریه راهبردی آلاء.
۳۶. مسعودی پور، سعید (۱۳۹۵)، «اولویت بندی مسائل خیریه های غیردولتی». مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)، تهران: بنیاد خیریه راهبری آلاء.
۳۷. موسی پور، نعمت الله (۱۳۹۷)، «آموزش نیکوکاری و عمل خیر». مطالعات و مدیریت امر خیر وابسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء، ۱، ص ۴-۷.
۳۸. نکویی مقدم، محمود، امیر یوسفی، سعیده، قربانی بهابادی، زهرا، و امیر اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش مؤسسات خیریه در نظام سلامت: یک مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۲ (۱)، ص ۱-۱۰.

۳۹. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۰. یاوری، وحید، و رحیمیان، علیرضا (۱۳۹۵)، «ارائه الگوی مسجدمحور به‌منظور یکپارچه‌سازی و هماهنگی خیریه‌ها». مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)، تهران: بنیاد خیریه راهبری آلاء.
۴۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶)، نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی). چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
42. Andreoni, J (2007), Charitable Giving. Prepared for the New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd Edition, University of California, San Diego.
43. Iepking, P., & Handy, F. (2017), The Palgrave handbook of global philanthropy. Retrieved from <http://www.credoreference.com/book/macp>.
44. Powell, W., and Steinberg, R. (Eds). (2006), The nonprofit sector: A research handbook. Yale University Press.